

## هومیوپاتی و نکته نظرهای موجود درباره آن

دکتر مرتضی ثمینی

استاد فارماکولوژی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

دارد که وقتی این انرژی مختل یا نامتعادل شود مشکلات سلامتی ظاهر می‌شوند و هومیوپاتی کمک به تحریک پاسخ‌های خودالتیامی بدن می‌کند.

درمان‌های هومیوپاتیک شامل استفاده از دوزهای فوق‌العاده کوچک موادی است که اگر با دوزهای بزرگ‌تر در افراد سالم مصرف شوند علایمی را ایجاد می‌کنند که مشابه علایم بیماری می‌باشند. این روش به نام like cure like نامیده می‌شود. برای نحوه کارکرد هومیوپاتی توضیحات متفاوتی داده شده ولی صحت و سقم هیچ کدام

هومیوپاتی یا طب هومیوپاتیک نوعی از مراقبت‌های سلامتی (health care) است که پزشکان مشغول در این رشته، هومیوپات نامیده می‌شوند. در دنیای پزشکی مدرن امروز، درباره سودمندی هومیوپاتی نکته نظرهایی وجود دارد که مورد نظر این نوشتار است. در ابتدا به نکاتی درباره هومیوپاتی و تاریخچه آن و سپس به نکته نظرهای مورد اشاره می‌پردازیم.

کلید مفروض هومیوپاتی این است که هر شخص یک انرژی موسوم به نیروی حیاتی (Vital force) یا پاسخ خود التیامی (Self-healing response)

از این توضیحات از لحاظ علمی ثابت نشده است. یافته‌های مطالعات هومیوپاتی دارای تناقض و ضدگویی است. بعضی از تجزیه و تحلیل‌ها (آنالیزها) به این نتیجه رسیده‌اند که دلیل قوی برای حمایت از هومیوپاتی به‌عنوان یک روش موثر برای درمان هر نوع Clinical condition وجود ندارد و اثرات مثبت این روش درمانی نیز به آسانی به زبان علمی قابل توضیح نمی‌باشند.

اصطلاح هومیوپاتی مرکب از کلمات یونانی homeo به معنای همانند یا مشابه و pathos به معنی بیماری یا رنج می‌باشد که از سیستم‌های پزشکی آلترناتیو است. هومیوپاتی در تشخیص، طبقه‌بندی و درمان مشکلات سلامتی از روش‌های متفاوت از پزشکی مدرن متکی به اصول و قواعد استفاده می‌کند. عقاید کلیدی هومیوپاتی شامل موارد زیر می‌باشند:

۱ - هومیوپاتی در صدد تحریک مکانیسم‌ها و جریان‌ات دفاعی بدن برای جلوگیری از بیماری یا درمان بیماری است.

۲ - درمان شامل تجویز دوزهای خیلی کوچک مواد به‌صورت remedies است که بر طبق گفته هومیوپاتی، اگر با دوزهای بزرگ به افراد سالم تجویز شوند علائمی مشابه علایم بیماری ایجاد می‌کنند.

۳ - درمان در هومیوپاتی individualized (به‌صورت فردی) است به این معنی که برای هر بیماری مطابق مشکل ویژه او درمان تنظیم می‌شود و هومیوپات‌ها درمان‌ها را نه تنها بر حسب علایم بیماری، بلکه بر حسب وضعیت کلی بیمار شامل

روش زندگی، وضعیت عاطفی، وضعیت روانی و سایر فاکتورها انتخاب می‌کنند.

از لحاظ تاریخی، در اواخر دهه ۱۷۰۰، Samuel Hahnemann در آلمان برای درمان بیماری روش جدیدی را پیشنهاد کرد زیرا در آن زمان درمان‌های پزشکی سخت و خشن مثل رگزنی با این تصور که باعث بیرون کشیدن خون بد یا bad blood از بدن می‌شود، خالی کردن روده، blistering و استفاده از گوگرد و جیوه رایج بودند و فقط چند روش درمانی موثر برای بیماران وجود داشت و لذا Hahnemann علاقه‌مند به ابداع روش کمتر تهدیدکننده بیمار برای درمان شد. گفته می‌شود که کار او از ترجمه و خواندن یک متن هرپال (herbal text) (درباره استفاده از پوست درخت کنکینا برای درمان مالاریا) آغاز شد. او مقداری پوست درخت کنکینا را خورد و مشاهده کرد که به‌عنوان یک شخص سالم دچار علائمی شد که خیلی شبیه به علایم مالاریا بودند. این اتفاق باعث شد که او این عقیده را پیدا کند که یک ماده می‌تواند علائمی را ایجاد کند که قادر به تسکین آن‌ها می‌باشد و این عقیده را به نام اصل شباهت (Similia Principle) یا like cure like نامید. قبل از او نیز به اصل شباهت در پزشکی اشاره شده بود. به‌عنوان مثال بقراط (Hippocrates) پزشک مشهور یونانی گفته بود که استفراغ راجعه می‌تواند به وسیله یک قی‌آور (مثل ایپاکوانا) درمان شود در حالی که باید انتظار بدتر شدن استفراغ را از آن داشت. نگرش دیگر به like cure like این است که علایم بیماری قسمتی از کوشش بدن

فیزیکی شخص، بلکه عواطف، حالت‌های روانی، روش زندگی، تغذیه و سایر جنبه‌ها را نیز ارزیابی می‌کنند و بر مبنای جمیع موارد درمان را شروع می‌کنند و لذا در هومیوپاتی، افراد مختلف با علائم یکسان، ممکن است درمان‌های هومیوپاتیک متفاوت دریافت کنند. Hans Burch Gram یک دکتر متولد بوستون، در اروپا هومیوپاتی را تحصیل و فعالیت در این زمینه را در سال ۱۸۲۵ در ایالات متحده شروع کرد. مهاجرین اروپایی نیز که تعلیمات هومیوپاتی را دیده بودند باعث رواج هومیوپاتی در آمریکا شدند، به طوری که در سال ۱۸۳۵ اولین دانشکده پزشکی هومیوپاتیک در Allen town پنسیلوانیا افتتاح شد و با رسیدن به اوایل قرن بیستم، هشت درصد همه پزشکان آمریکایی هومیوپات بودند و بیست کالج پزشکی هومیوپاتیک و بیش از ۱۰۰ بیمارستان هومیوپاتیک در ایالات متحده وجود داشت. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ پیشرفت‌های متعددی در زمینه‌های مختلف پزشکی رخ داد. از آن جمله شناسایی مکانیسم‌های بیماری‌ها، تئوری جرم پاستور، کشف تکنیک‌های ضدعفونی، کشف اثر بیهوشی و ... باعث آغاز تغییرات اساسی در تحصیلات پزشکی در آمریکا گردید. هومیوپاتی از جمله مواردی بود که با این پیشرفت‌ها در جهت منفی تحت تاثیر قرار گرفت و اغلب دانشکده‌های پزشکی هومیوپاتیک تعطیل شدند و تا سال ۱۹۳۰ دانشکده‌های باقی مانده تبدیل به دانشکده‌های پزشکی مرسوم (Conventional medical School) شدند. در ۱۹۶۰۵، هومیوپاتی در ایالات متحده شروع

برای شفا دادن خود (heal itself) است. به‌عنوان مثال تب می‌تواند در نتیجه پاسخ سیستم ایمنی به یک عفونت ایجاد شده و سرفه می‌تواند برای خارج کردن ترشحات از دستگاه تنفس کمک کند و لذا می‌توان داروهایی را به کار برد که پاسخ خودشفایی را ساپورت کنند. Hahnemann مواد خالص را روی خود و فرم‌های خیلی رقیق آن‌ها را روی داوطلبین سالم آزمایش کرد و با ثبت دقیق پاسخ‌های تجربی و درآمیختن این مشاهدات با اطلاعات بالینی موجود درباره مصرف گیاهان و غیره نهایتاً homeopathic clinical practice را بنیان‌گذاری کرد. او دو مورد دیگر را به اصل شباهت در هومیوپاتی اضافه نمود:

۱ - Potentization که منظورش این بوده که ترقیق سیستماتیک یک ماده همراه با تکان دادن شدید در هر مرحله از ترقیق، به جای این که باعث کاهش تاثیر آن ماده شود باعث افزایش تاثیر آن می‌شود و این را به استخراج Vital essence (ماهیت حیاتی) آن ماده نسبت داد. به عقیده او اگر ترقیق تا حدی ادامه یابد که ملکول‌های ماده تقریباً محو شوند هومیوپاتی دوام می‌یابد زیرا که خاطره اثر ملکول‌های آن ماده در ملکول‌های آب اطراف آن باقی است که ممکن است هنوز اثر درمانی داشته باشند!!

۲ - مورد دیگری که او به هومیوپاتی اضافه کرد این بود که درمان باید بر مبنای وضعیت کلی بیمار (total picture of an individual) و علائم بیماری او انتخاب شود نه فقط بر مبنای علائم بیماری او. هومیوپات‌ها نه تنها علائم

به تجدید حیات نمود و WHO در سال ۱۹۹۴ اظهار داشت که هومیوپاتی به سیستم‌های مراقبت از سلامتی کشورهای مثل آلمان، بریتانیا، هندوستان، پاکستان، سری‌لانکا و مکزیکو اضافه شده و دانشکده‌های آموزشی هومیوپاتی به وجود آمده است.

درباره homeopathic remedies متذکر می‌شویم که اغلب مداوای هومیوپاتیک از مواد طبیعی گیاهی، حیوانی یا معدنی هستند. این داروها با رقیق کردن ماده همراه با تکان دادن شدید یک سری مراحل تهیه می‌شوند. هومیوپاتی ادعا می‌کند که در این روند علی‌رغم این که ماده چندین مرتبه رقیق شده ولی خاصیت شفا‌دهی خود را نگه می‌دارد. بسیاری از فرآورده‌های هومیوپاتیک به قدری زیاد رقیق می‌شوند که حتی یک ملکول از ماده طبیعی اصلی در آن باقی نمی‌ماند!

و بالاخره درباره سودمندی فرآورده‌های هومیوپاتیک باید بگوییم که نتایج بررسی‌های بالینی کنترل شده شخصی (individual, controlled clinical trials) متناقض بوده‌اند. به طوری که در بعضی از بررسی‌ها معلوم شده که هومیوپاتی بیش از یک Placebo (قرصی که به جای دارو ماده غیرفعال مثل قند دارد) سودمند واقع نمی‌شود ولی در بعضی مطالعات درجاتی از سودمندی گزارش شده و محقق مربوطه عقیده داشته که هومیوپاتی بیش از پلاسبو موثر بوده است. به عنوان مثال در یک بررسی، یک فرآورده هومیوپاتیک خوراکی در ۳۴۲ نفر از افراد مبتلا به آسم آلرژیک با پلاسبو مقایسه شده (سال

۲۰۰۲) و محققین مربوطه دریافته‌اند که درمان هومیوپاتیک بهتر از پلاسبو نبوده است. در مقابل در یک مطالعه دیگر که روی ۱۰۰ بیمار آلوده به HIV در مرحله سیمپتوماتیک، در گروهی که یک فرآورده هومیوپاتیک دریافت می‌کرده تعداد سلول‌های CD4<sup>+</sup> در پایان مطالعه افزایش یافته ولی در گروه درمان شده با پلاسبو این سلول‌ها زیاد نشده‌اند. از موارد دیگر سودمندی یا غیرسودمندی فرآورده‌های هومیوپاتیک استفاده از مداوای هومیوپاتیک برای درمان muscle soreness و حملات سرگیجه بوده که در مورد اول اثر سودمندی گزارش نشده ولی در مورد دوم گزارش شده که اثر فرآورده هومیوپاتیک برابر با درمان استاندارد یعنی مصرف بتاهستین بوده است.

علاوه بر مطالعات شخصی اشاره شده، مقالات مروری و متاآنالیز، نتایج متعدد حاصله از بررسی‌های بالینی را با نگاه وسیع‌تر به موضوع کارایی فرآورده‌های هومیوپاتیک بررسی کرده و در مجموع استفاده از فرآورده‌های هومیوپاتیک را برای هیچ کدام از مشکلات پزشکی به طور قطع به عنوان درمان تایید شده شناخته‌اند. به عنوان نمونه Ernst هفده مقاله مروری را آنالیز کرده و گزارش نموده که این مقالات مروری در ارایه دلیل قوی بر له هومیوپاتی موفق نبوده‌اند و متذکر شده که هیچ فرآورده هومیوپاتیک با دلیل متقاعد کننده‌ای اثر بالینی متفاوت از پلاسبو را ثابت نکرده‌اند و پیشنهادات مثبت برای استفاده از هومیوپاتی در کلینیک محقق نشده و لذا هومیوپاتی تا موقعی که نتایج قانع کننده‌تری را ارایه نکند

که در فارماکولوژی بر پایه علم، اثر متوسطی از یک دارو موقعی ایجاد می‌شود که غلظت دارو در خون و بافت هدف به اندازه‌ای باشد که حداقل پنج‌گانه درصد گیرنده‌های عامل بروز اثرش را اشغال نماید. البته مقالاتی در مورد مصرف داروها با رقت‌های بسیار زیاد (ultra-high dilutions) یا UHDs به چاپ رسیده ولی تکرار آن‌ها (repetition) همراه با مشکل بوده و مقالات مروری، نتایج حاصله از مطالعات UHD را قاطع نمی‌دانند. نتیجه مطالعات UHD روی اعضاء جدا شده حیوانات و حیوانات زنده نیز قابل بحث و مجادله بوده و نتیجه‌گیری کلی این بوده که اثرات در هومیوپاتی بایستی مربوط به اثرات پلاسبو یا سایر اثرات غیر اختصاصی باشد. در غیر این صورت، اگر در مواردی واقعاً مداوای هومیوپاتیک اثرات سودمندی دارند باید با تعجب قبول کرد که متدهای علمی مدرن امروزی قادر به تفسیر چگونگی عملکرد آن‌ها نمی‌باشند.

نمی‌تواند به‌عنوان یک روش درمان متکی بر دلیل (evidence-based) مورد توجه قرار گیرد. این مقاله Ernst در سال ۲۰۰۲ در صفحات ۵۷۷ الی ۵۸۲ British Journal of clinical pharmacology تحت عنوان A systematic review of sytematic reviews of homeopathy به چاپ رسیده است، بنابراین جواب این سؤال که آیا در زمینه هومیوپاتی مجادله و مباحثه علمی وجود دارد یا نه، «بلی» می‌باشد و هومیوپاتی یکی از عرصه‌های طب مکمل و آلترناتیو (CAM) است که بیشترین مخالفت‌ها و مجادله‌ها در مورد آن وجود دارد. علت این است که تعدادی از مفاهیم کلیدی آن از قوانین علم تبعیت نمی‌کنند. یکی از نکته‌های مورد بحث و جدل این است که چگونه ممکن است که ماده‌ای که موجب بیماری می‌شود بتواند آن را درمان نیز بکند و نکته دیگر مورد بحث این که، چگونه یک دارو با مقادیر بسیار اندک (شاید حتی یک ملکول) می‌تواند یک اثر بیولوژیک داشته باشد در صورتی

